

توفان کرونا در ایران، چه می توان کرد؟

یکشنبه، 8 نوامبر 2020 - 15:00

هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)



بیماری کووید ۱۹- با آنکه در گستره جهان کشتار می کند، ولی در کشور ما در ابعاد بیشتر جان ایرانیان را می گیرد، میزان مرگ و میر ناشی از آن در طول مهر ماه روزانه حدود ۲۰۰ نفر بود، در هفته نخست آبان ماه از ۳۰۰ نفر در روز فراتر رفت و در هفته اخیر حتی به

نزدیکی‌های ۵۰۰ نفر رسید. مبتنی بر رسمیت آمار منتشره از سوی وزارت بهداشت، از آغاز شیوع تاکنون ۲۲ هزار و ۲۳۰ نفر از شهروندان بر اثر این ویروس مرگبار جان باخته‌اند. حال آنکه میزان واقعی تلفات بس فزونتر از این است و به اعتراف دست اندرکارانی از حکومت از رقم صد هزار نفر نیز گذشته است. به تصریح رئیس سازمان نظام پزشکی، ایران از مدتی پیش به لحاظ مرگ و میر کرونایی در زمره پنج کشور اول جهان به شمار می‌رود که روشن است با مبنا فرار گرفتن ارقام واقعی، می‌تواند بر سکوی بالاتر هم قرار گیرد. معاون کل وزارت بهداشت نسبت مرگ میان بستری شدگان کرونا در ایران را ۱۸ درصد اعلام کرده که بیشتر از سه برابر میانگین جهانی یعنی رقم ۵ درصد است و در مقایسه با کشورهایی که تلفات آنها از ۲ تا ۳ درصد تجاوز نمی‌کند بر آن نمی‌توان جز فاجعه‌ای شرم آور نام دیگری نهاد. همین مقام در توصیف اوضاع واقعی، در یک برنامه تلویزیونی اظهار داشت که کشور نه مواجه با موج دوم کرونا بلکه درگیر "طوفان کرونا"ست. بدین معنی که در این "روزهای سیاه کرونایی در ایران"، باید انتظار موج پشت موج را داشت. ما پیش از هر سخن در این باره، با تاسف بسیار از ابعاد مرگ و میر، همدردی خود با دهها هزار خانواده قربانیان کرونا را اعلام می‌داریم.

برای فهم ابعاد این فاجعه کفایت به دو مورد مقایسه‌ای اشاره کنیم. اگر روز ۱۲ آبان در ایران فقط ۸ هزارو ۲۸۹ مبتلا شناسایی شده که ۲ هزار و ۲۳ نفر آنها بستری و ۴۴۰ نفرشان درگذشته‌اند، در آلمان با جمعیتی حدوداً برابر ایران که طی روز بحرانی ۳ آبان مورد ابتلاء جدید در آن تا ۱۴ هزار و ۷۰۰ نفر اعلام شد، اما تعداد قربانیان کرونا به ۵۰ نفر هم نرسید. بنا به گزارش رسمی وزارت بهداشت کشور، در حال حاضر که برای تشخیص کرونا در ایران نیاز به حداقل ۲۰۰ هزار آزمایش در روز است روزانه تنها حدود ۲۵ هزار تست به عمل می‌آید. اما در ترکیه و نیز در آلمان، و هر دو هم با جمعیتی تقریباً یکسان با ایران، به

ترتیب روزی ۱۲۰ هزار و ۲۰۰ هزار تست صورت می‌گیرد. نکته تکان دهنده ناشی از چنین واقعیتی اینست که اگر طبق برآورد سازمان بهداشت جهانی تنها ۵ درصد از بیماران بستری می‌شوند در ایران این رقم ۴۰ درصد است. در تبیین این وضعیت، رئیس کل سازمان نظام پزشکی کشور می‌گوید: "تشخیص دیر هنگام بیماران کرونایی، عدم ردیابی افراد در تماس با مبتلایان، تراکم بیمارستان‌ها، کمبود تخت و پرسنل و عدم وجود عزمی ملی در الزام‌آور بودن رعایت پروتکل‌ها" مهمترین عوامل گسترش این پاندمی هستند. واقعیت‌هایی جملگی قابل تأیید، بی آنکه البته از مسئول اصلی این وضعیت که همانا جمهوری اسلامی باشد نامی برده شود.

بر آنچه که این مقام بهداشتی کشور برشمرده است اما می‌توان و باید واقعیت تلخ تنگناهای ناشی از تحریم‌های گسترده دولت آمریکا را نیز افزود که بی هیچ تردیدی هم منابع مالی لازم برای پاسخگویی به هزینه‌های هنگفت ناشی از کرونا را زیر فشار خود دارد و هم اجازه نمی‌دهد که حداقل نیازهای درمانی به سهولت از برون مرز وارد کشور شده و در اختیار کادر درمانی گذاشته شود. ادعاهای دولت آمریکا مبنی بر اینکه سیاست "تحریم حداکثری" شامل نیازهای مربوط به کرونا نمی‌شود، بی پایه و دروغ است. اصل موضوع در این رابطه مبادلات بانکی در ازاء خریدهای لازم است که خود همین با دیوار تحریم‌ها روبروست. فشار تحریم‌های گسترده آمریکا، مستقیماً و بیش از هر چیز بر مردم زحمتکش کشورمان وارد می‌شود و هم از اینرو مخالفت با تحریم‌ها لازمه مبارزه با آفت مرگ‌زای کرونا است. نیز باید به رفتار مشتکی سرمایه‌دار زالو صفت هم اشاره کرد که چه سان در شرایط مرگ و زندگی ملتی، با احتکار و گرانفروشی به دنبال پر کردن کیسه گشاد خود به قیمت خون مردمان هستند. با همه اینها اما مسئول اصلی این وضع دهشتناک، حکومت جمهوری اسلامی است و بس. چرا که مسئولیت هر حکومتی در قبال فجایعی از این دست را در توان مدیریت، بسیج منابع و امکانات کشور و اولویت‌بندی‌ها باید محک زد که این رژیم در همه اینها بدترین آزمون‌ها را پس داده و در وجود توفان کرونا بار دیگر مردود شدن خود در امر کشورداری را آشکارا به نمایش گذاشته است.

دیرکرد در اتخاذ تصمیمات ضرور، تزلزل در پیشبرد آنها، چندگانگی در مدیریت بحران و بکار نرفتن همه امکانات برای مهار این بیماری، ترس از استفاده از اقتدار دولتی در زمینه وادار کردن جامعه به رعایت مقررات ویژه کرونا که این خود بخاطر شکاف عمیق میان جامعه با حکومت از یکسو و عملکرد الزامات اقتصادی و قسماً هم ضعف فرهنگی در بخش‌هایی از جامعه از سوی دیگر است، مشخصه‌های مواجهه این حکومت با کرونا به شمار می‌آیند. اگر در این شرایط کرونایی یکی از مشخصه‌های سیاسی در همه جهان، افزایش سطح تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها و تشدید اقتدار دولتی به ویژه به منظور اعمال مقررات حکومتی است، در جمهوری اسلامی اما بیشترین آشفتگی‌ها در مراکز تصمیم و اجرای تصمیمات را شاهدیم. مهم‌تر نیز اینکه، در این میان اتخاذ اقتصاد خاص کرونایی برای جبران نیازهای معیشتی طبقات و اقشار تهیدست جایی در اولویت بندی‌های این حکومت ندارد. برای جمهوری اسلامی، مهم نه محافظت از جان مردمان کشور که تأمین نیازهای نظامی، انتظامی، امنیتی و الزامات سیاست خارجی ایران برپادده است.

این حکومت حتی نتوانسته و نخواست سادترین درخواست‌ها و دستورالعمل‌های وزارت بهداشت خودش و سازمان نظام پزشکی کشور مبنی بر رعایت اجباری فاصله اجتماعی، استفاده از ماسک و جلوگیری از رفت و آمدهای اجتناب پذیر و هرگونه تجمع از جمله برنامه‌های مذهبی را اجرایی کند. پیامد آن اما، نه تنها فوت بالای ده‌ها هزار نفر از ملت بلکه در میان آنان مرگ بیش از دویست نفر از کادر پزشکی و پرستاری فداکار ما نیز بوده است. کادری که حکومت با بی مسئولیتی تمام بار این طاعون مرگ‌زا را بر دوش آن قرار داده و علیرغم رنج بسیار از ضعف امکانات، بیشترین آن با خودگذشتگی تمام در سنگر مبارزه با کرونا همچنان به خدمت ادامه می‌دهد؛ ایناری که هرگز فراموش نخواهد شد. ابتلای بیش از ۳۶۰۰۰ پرستار به کرونا، نه فراموش شدنی نه بخشودنی است.

اگر از قرنطینه کردن‌های ضرور و بموقع در این دوره نه ماهه کرونایی خبر چندانی نشد، برعکس اما حکومت رفتار خود را با تجمعات خطرناک به مناسبت ۲۲ بهمن و برگزاری انتخابات مجلس آغاز کرد، در مراسمی همچون رمضان، عاشورا و اربعین ادامه داد و اخیراً هم بی مسئولیتی‌اش را با اعلام مراسم بیعت با امام زمان در مشهد و لزوم نمایش ۱۳ آبان در چند جای کشور از سوی سازمان تبلیغات اسلامی دیگر بار به نمایش گذاشت. در مقابل اما نصیب توده مردم در این دوره سیاه به تقصیر جمهوری اسلامی تحمل تورم و گرانی و کاهش درآمد بوده و کارد تا آنجایی به استخوان رسیده که شاهد فجیع‌ترین خبر ممکن یعنی خودکشی کودکانی ۱۲ ساله و نوجوان ۱۶ ساله بخاطر درد محرومیت باشیم.

با همه کارنامه سیاه حکومت در انجام وظایف خود علیه کرونا، مردم اما حق دارند عمل به حداقل اقدامات را باز از حکومتی بخواهند که امکانات کشور متمرکز در دست آن است. در راس این درخواست‌ها و عاجل‌ترین آنها ایجاد ستاد هماهنگی در دولت است با سپرده شدن اختیارات کافی به این ستاد جهت اخذ تصمیمات پیشگیرانه و اجرایی و نیز تعهد کل حکومت به رعایت بی کم و کاست هر رهنمود و دستوری که این ستاد صادر می‌کند. ستادی که خود را موظف به بهره‌گیری از توصیه‌های متخصصان امور درمانی بداند. از جمله اعمال قرنطینه در هر جایی که لازم باشد و تعطیلی هرگونه تجمع حتی در سطح چند نفره و مخصوصاً جلوگیری از اجتماعات مذهبی‌ای که مراکز نفوذ حکومتی اصرار بر برگزاری آنها دارند. حکومت را باید واداشت تا بخاطر اجرای سیاست اقتصادی خاص کرونا تن به تخصیص بودجه کافی علیه کرونا دهد. لازمه جبران فشار مضاعف معیشتی وارده بر جامعه و مخصوصاً طبقات تهیدست بر اثر هجوم این ویروس، کاستن چشمگیر از بودجه‌های نظامی و امنیتی و قطع رانت و امتیازهایی است که از درآمد ملی به نهادهای انگل این حکومت پرداخت می‌شود.

قدردانی معنوی و مادی از کادر درمانی کشور از یکسو و بسیج دانشجویان سال‌های آخر دانشگاه‌های پزشکی و پرستاری از طریق آموزش ویژه بهمراه مشوق‌های مالی جهت ورود مشارکت‌جویانه آنان به کارزار مبارزه درمانی با کرونا باید جزو وظایف دولت قرار گیرد. این اقدام می‌تواند از فشار وارده بر کادر حرفه‌ای درمانی بکاهد. اختصاص امکانات وسیع نیروهای نظامی و به کارگیری افراد مشغول انجام نظام وظیفه زیر نظر کادر درمانی ارتش و مرتبط با ستاد پیش‌گفته، ضرورتی اکید در مبارزه با کرونا است. همزمان جمهوری اسلامی وظیفه دارد به فوریت همکاری همه کشورهای جهان برای مقابله با کرونا را هم درخواست کند و هم بپذیرد.

در این میان اما نهادهای مردمی و خیریه‌ها که وجودشان تاکنون به رغم محدودیت‌های ایجاد شده حکومتی بگونه ارزشمندی در زمینه روشننگری و آگاه کردن مردم و رساندن کمک‌های معیشتی به آنان مفید افتاده است، می‌توانند نقشی بسیار بیشتر از اینها ایفاء کنند. جدا از اینکه دولت موظف است پروتکل‌های بهداشتی ضرور را با قاطعیت به اجرا بگذارد، این نهادهای مردمی و موسسات خیریه هستند که می‌توانند در دعوت پیگیر از مردم به اینکه تعطیلی کرونا را مانند در خانه، اجتناب از سفر و جمع‌شدن‌ها تلقی کرده و شستن مرتب دست‌ها و بهره‌گیری مرتب از مواد شوینده برای ضدعفونی کردن محیط را پیشه کنند، نقش بی بدیل به عهده گیرند. بدون تردید نهادهای مدنی و گروه‌های امداد رسانی که در متن جامعه بسیاریند، این امکان را دارند که فعالانه وارد کار شوند. در این رابطه کارگران آگاه، آموزگاران، دانشجویان، فرهنگ سازان، فعالین جنبش‌های تبعیض ستیز و به ویژه زنان مبارز و همچنین افراد و شخصیت‌های شناخته شده مردمی در عرصه‌های فکری، فرهنگی، هنری و ورزشی می‌توانند نقش مهمی داشته باشند.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) پیشنهادهای خود برای عبور از این توفان کرونایی را بر این باور استوار می‌دارد و می‌داند که: در لحظه کنونی، هیچ اولویتی برتر از مقابله با کرونا نیست و هیچ چیز نباید جای مبارزه با کرونا را بگیرد.

۱۷ آبان ماه برابر با ۷ نوامبر ۲۰۲۰

اعلامیه